

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The evolution of housing spatial organization based on the social status of women (a comparative analogy of Iranian and European housing)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

سیر تطور سازماندهی فضایی مسکن بر اساس جایگاه اجتماعی زنان (قیاس تطبیقی مسکن ایرانی و اروپایی)*

زهرا آکوچکیان^۱، سید عباس یزدانفر^۲، نداسادات صحراگرد منفرد^{۳*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

چکیده

بیان مسئله: همواره ارتباطی دوسویه میان ساختار فضایی خانه و عوامل اجتماعی و فرهنگی برقرار بوده است. از جمله مواردی که نقش مهمی در تغییرات ساختار خانه‌ها در چند سده اخیر ایفا کرده، تغییر جایگاه زنان در خانه و اجتماع بوده است. خانه به عنوان مکانی که نقش کلیدی در هویت‌بخشی و بازتولید ارزش‌های اجتماعی دارد، برای بیان و هماهنگی با اعتقادات ساکنین، همواره دستخوش تغییرات بوده است. همچنین امروزه روند تغییرات در نقش‌پذیری و هویت اجتماعی زنان به سرعت در حال تغییر است، لذا بررسی این تحولات در چند سده گذشته و راهکارهای طراحی اعمال شده در مسکن متناسب با این تغییرات و نتایج حاصله از این تغییرات، می‌تواند برای پیش‌بینی و ارائه الگوهای مناسب برای خانه در آینده، مفید باشد.

هدف پژوهش: هدف این مقاله مقایسه ساختار فضایی میان خانه‌های قرن ۱۷ تا ۲۱ در اروپا با خانه‌های ایران از زمان قاجار تاکنون با بررسی جایگاه اجتماعی زنان است، به نحوی که سیر تطور سازماندهی فضایی در گذر زمان در ایران و اروپا جداگانه بررسی و علاوه بر آن تفاوت و شباهت بین ایران و اروپا در یک دوره زمانی مشابه نیز مشخص شود.

روش پژوهش: این پژوهش با استفاده از روش تفسیری-تاریخی، استدلال منطقی و قیاس تطبیقی، به‌طور هم‌زمان با استفاده از قیاس طولی و عرضی، به بررسی چگونگی ارتباط و تأثیرات دوسویه میان ساختار فضایی خانه و جایگاه اجتماعی زنان می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد، ارتباط مستقیمی میان جایگاه اجتماعی زنان و قلمروهای جنسیتی فضایی خانه وجود دارد؛ به گونه‌ای که با بهبود این جایگاه، کیفیت فضایی قلمروهای زنانه افزایش یافته و بسیاری از ارزش‌گذاری‌های قبلی جنسیتی فضاها و عملکردها تغییر یافته است. این تغییرات در نهایت منجر به متعادل‌شدن نقش‌های جنسیتی در خانه شده است. اگرچه هنوز کاستی‌هایی در الگوی فضای معاصر دیده می‌شود که می‌توان به کمبود فضاهای نیمه‌باز در مجاورت خانه اشاره کرد.

واژگان کلیدی: سازماندهی فضایی خانه، زن، قلمرو جنسیتی، جایگاه اجتماعی زنان.

مقدمه

خانه‌ها محصول عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم

در زمان خود هستند و شاخصی مهم برای ارزیابی فرهنگ، زیبایی‌شناسی، فرم و سبک معماری به شمار می‌آیند.

منفرد « در سال ۱۴۰۱ در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۱۰۱۲۴.Neda_monfared@iust.ac.ir

*این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «زهرا آکوچکیان» با عنوان «طراحی مجموعه مسکونی و پایداری اجتماعی زنان در شهر اصفهان» است که به راهنمایی دکتر «سید عباس یزدانفر» و دکتر «نداسادات صحراگرد»

قاجار تاکنون، این سیر تغییرات بررسی و ارتباط میان مؤلفه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. انتخاب نمونه‌های موردی پژوهش در اروپا با توجه به گستردگی این حوزه، بر اساس نقطه آغازین تغییرات اجتماعی، تحولات معماری و همچنین با توجه به طبقه اجتماعی غالب جامعه، صورت گرفته است. لذا سعی شده مدارک نمونه‌های کامل‌تر و به طور خاص آغاز تحولات اجتماعی در دوره مورد نظر، ارائه شود.

جایگاه اجتماعی و خانوادگی زنان

از دیرباز در بسیاری از جوامع زنان مسئول رسیدگی به وظایف خانه‌داری بوده و خانه حوزه‌ای زنانه تلقی می‌شده است. اما تغییرات تدریجی در جایگاه اجتماعی زنان در چند سده اخیر، موجب بحث درباره نقش‌های جنسیتی و کلیشه‌شکنی در این حوزه شده و خانه و اجتماع به دو عرصه با ارزش و جایگاه اجتماعی متفاوت برای زنان تبدیل شد که به موجب آن هویت جنسیتی «به عنوان تجربه شخصی از خود در مقام مرد یا زن بودن و ایجاد تمایز میان دو جنسیت» (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۲۶) به چالش کشیده شد. این تغییرات در هویت زنانه موجب بازتعریف نقش‌های جنسیتی جدید در هر دو عرصه و غفلت جامعه‌شناسی از برخی زوایای مهم نقش‌های زنانه شد (علاسوند، ۱۳۸۸، ۲۲۳). بنابراین علاوه بر تفاوت‌های جسمانی، چگونگی نگرش جامعه و یا گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان، یکی از موضوعات مهم در مطالعه دگرگونی‌های اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی، مطالعات زنان است (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵). بهبود و ارتقاء هویت اجتماعی زنان موجب می‌شود که آنان بیشتر در کنش‌های اجتماعی سهیم شوند و اندوخته عاطفی، جسارت زندگی و مقابله با رویدادها در آنان افزایش یابد (شایگان و رستمی، ۱۳۹۰) و به این ترتیب می‌توانند پایگاه‌های اجتماعی جدیدی طلب کنند که این امر نیازمند تغییرات و همخوانی نقش‌های سنتی همه افراد خانواده با شرایط جدید است.

البته باید توجه داشت که این تغییرات تنها مربوط به سال‌های اخیر نیست. همواره معیشت تأثیر بسیار مهمی بر روابط داخلی فضای خانه‌ها گذاشته است. جدایی یا پیوستگی پایگاه زن و مرد در خانواده تعیین‌کننده عرصه‌بندی و تعیین اهمیت هر فضا از لحاظ ابعاد، تزیینات و محل قرارگیری آن فضا است. در مناطقی که شغل‌هایی مانند دامداری، ماهیگیری و تجارت متداول بوده و این مشاغل تنها توسط مردان خانه انجام می‌شود، فضای خانه تبدیل به یک فضای محصور با تفکیک کامل

همواره در طول تاریخ تفاوت بسیاری میان فعالیت‌های زنان و مردان وجود داشته است (لنگ، ۱۳۸۸، ۱۳۹) و این تفاوت موجب تغییر در پیوستگی عرصه‌های عمومی و خصوصی، درجه محصوریت فضاها در خانه و رابطه خانه و خیابان شده است (ورمقانی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۴). زیرا جایگاه اجتماعی و نقش‌های معیشتی بر دیدگاه جامعه نسبت به زنان و تعریف ساختارهای کالبدی خانه برای آنان بسیار مؤثر بوده است (فیشر، ۱۳۸۱)؛ بنابراین می‌توان گفت جایگاه اجتماعی زنان متأثر از عواملی همچون فرهنگ، ارزش‌گذاری‌های جنسیتی، استقلال و مشارکت در امور مالی است که در نتیجه موجب تغییر کیفیت مشارکت و حضور هر دو جنس در عرصه‌های اجتماعی می‌شود.

امروزه با توجه به تغییر پایگاه زنان و نقش‌پذیری هر دو جنس در امور اجتماعی و خصوصی به عنوان یک فرایند جهانی، نیاز به بازنگری الگوی رایج مسکن و عرصه‌بندی‌های جنسیتی در خانه، وجود دارد. زیرا ادراک محیطی ساکنین با رفتار افراد و مشارکت آن‌ها در محیط مرتبط است (Monfared & Yazdanfar, 2015). بررسی سیر تغییرات و مشاهده تأثیرات اجتماعی بر ساختار خانه‌ها در طول تاریخ می‌تواند راهکاری مؤثر برای بهبود خانه‌ها در اختیار طراحان قرار دهد. بنابراین در این پژوهش سیر تحول جایگاه زنان و تغییر ارزش‌گذاری جنسیتی خانه‌ها در ایران و اروپا در بازه زمانی مشابه بررسی خواهد شد که از طریق مقایسه طولی سیر تحول مسکن ایرانی و اروپایی به طور مجزا و بر اساس روند تاریخی هر یک صورت می‌پذیرد و در مقایسه عرضی، به تفاوت بین سازماندهی فضایی خانه ایرانی و اروپایی با توجه به جایگاه زنان در این دو فرهنگ پرداخته خواهد شد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که تغییر جایگاه اجتماعی زنان در طول تاریخ چه تأثیری بر سازماندهی فضایی خانه‌ها داشته است؟ همچنین به طور معکوس آثار پیوستگی قلمروهای جنسیتی در خانه بر جایگاه زنان در خانواده چه بوده است؟

پیشینه تحقیق

برای بررسی تأثیر دوجانبه جایگاه زنان و کالبد خانه، پژوهش حاضر در دو بخش جامعه‌شناسی و تحلیل فضایی معماری خانه‌ها صورت گرفته است. بنابراین ابتدا تغییرات و اهمیت جایگاه اجتماعی زنان مطرح شده و شاخص‌های کالبدی مورد بررسی معرفی و دلایل اهمیت هر یک، مشخص شده است. پس از آن با مقایسه خانه‌های اروپا از قرن ۱۷ تا قرن حاضر و خانه‌های ایران از زمان

عمومی خانه می‌توان انتظار داشت که مشارکت آنان در امور مربوط به خانه بالا برود و لذا این مسئله در جامعه‌پذیری و پذیرش نقش‌های جدید بسیار مؤثر است (Amole, 2012). همچنین بخش اعظم باورهای جنسیتی، با دیدگاه «جداسازی ایده‌آل قلمروهای خانه» فضاهایی با کیفیت بالاتر و جایگاه مناسب‌تر در بخش عمومی خانه را در اختیار مردان قرار می‌دهد است و روند تغییر این جایگاه با دستیابی زنان به جایگاه‌های اجتماعی در سده‌های اخیر مرتبط بوده است (Mallett, 2004).

۲. عرصه خصوصی: دیدگاه سنتی جنسیتی زنان را متعلق به اندرونی یا عرصه خصوصی خانه می‌داند و گسترش ارتباط آنان با سایر فضاها را نمادی از قدرت جنسیتی و مدیریت بر امور خانه تلقی می‌کند (بهرامی برومند و اسفندیاری، ۱۳۹۷). از سوی دیگر تفکیک کامل عرصه خصوصی از عرصه عمومی خانه و تفکیک این عرصه‌ها به فضاهای کاملاً مجزا، با از میان بردن ارتباط بصری و حسی و کاهش مشارکت، موجب تفکیک کامل نقش‌های مدیریتی اعضای خانواده می‌شود که نیاز به نظارت مستقیم به هرفضا برای مدیریت خانواده را افزایش می‌دهد. این امر اغلب به عنوان مسئولیتی زنانه برای آموزش، مراقبت و نظارت بر کودکان و افراد توانخواه، در نظر گرفته می‌شود. در واقع با جداسازی کامل فضاها، این وظیفه به جای یک عملکرد جمعی، تنها به زنان واگذار می‌شود (Mallett, 2004).

۳. عرصه خدماتی (آشپزخانه): فعالیت دائمی ساکنین خانه در آشپزخانه و ارتباط تمامی افراد خانواده با این فضا موجب شده است که این فضای داخلی از امتیاز ویژه‌ای نسبت به سایر فضاها بر خوردار باشد (طباطبائی و اورنگ‌نیا، ۱۳۹۵). این فضا از گذشته تا به امروز به عنوان یک قلمرو زنانه در خانه مطرح بوده است و در دیدگاه سنتی، کانون فعالیت‌های زنان و اصلی‌ترین مکان برای بروز ویژگی‌های زنانه به حساب می‌آمده است. اما با توجه به تغییرات رخ داده در هویت جنسیتی زنان، به طور واضحی می‌توان تغییرات رخ داده در این فضا را مشاهده کرد و باید به عنوان یک فضای کلیدی مورد توجه قرار بگیرد.

۴. فضای باز اختصاصی زنان (مجاور فضای خدماتی یا عرصه خصوصی): ارتباط قلمروهای زنانه با فضای باز و نیمه‌باز از دو جهت مورد اهمیت است. از یک منظر مسئله محرمیت، استفاده زنان از فضاهای باز عمومی در خانه را محدود کرده و ارتباط آنان با فضای آزاد، هوای مطلوب و جذب نور خورشید را از میان می‌برد. از طرف دیگر فضای باز و نیمه‌باز در مجاور آشپزخانه، همواره به عنوان

فضاهای عمومی و خصوصی می‌شود و هر فضا تعریف و عملکرد مشخص و بدون تغییری خواهد داشت؛ در صورتی که زمانی که معیشت تعاملی به واسطه شغل‌هایی مانند کشاورزی، باغداری و صنایع دستی وجود داشته باشد که در آن زنان حضور و مشارکت فعال در عرصه‌های اجتماعی دارند، تعامل موجود میان دو جنس باعث اتحاد آنان شده و فضای خانه‌ها بازتر و تفکیک فضایی کمتر می‌شود و فضاهای اصلی خانه قابلیت چند عملکردی در فصول و زمان‌های مختلف را خواهند داشت (ورمقانی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۴).

اما تنها مسئله خروج یا حضور همیشگی زنان در فضای خانه و ارتباط آنان با جایگاه‌های اجتماعی نیست. با اینکه به طور متوسط زمان حضور مادران و پدران شاغل در فضاهای خانه یکسان است، اما تجربیات آن‌ها از فضا متفاوت است. مردان در خانه اغلب جایگاه ویژه‌ای از فضا را طلب می‌کنند و کمتر خود را درگیر مسائل خانه می‌دانند و درواقع برخی از مسئولیت‌ها را متوجه خود نمی‌دانند. در صورتی که همواره زنان درگیر کارهای خانگی هستند (Ahrentzen, Levine & Michelson, 1989) و به نظر می‌رسد ساختار خانه‌ها با تفکیک فضایی و ارزش‌گذاری جنسیتی فضاها، این مسئله را تشدید می‌کند. زیرا تفکیک و کیفیت فضایی عرصه‌های خانه، با ایجاد قلمروهای جنسیتی، به عنوان فضایی که هر شخص خود را متعلق به آن فضا و می‌داند و جایگاه و وظایف خود را بر اساس آن تعریف می‌کند، نقش مهمی در ادراک محیط و نقش‌پذیری ساکنین دارد.

مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر قلمروهای جنسیتی خانه

برای بررسی ساختار خانه و تعیین جایگاه‌های جنسیتی، باید عملکرد جنسیتی هر فضا مشخص شود و قلمروهایی با هر دو جنسیت مرتبط است یا به طور خاص به زنان تعلق داشته است، تعیین شود. همچنین لازم است میزان ارتباط فضایی میان بخش‌های یاد شده برای سنجش میزان تک جنسیتی شدن یک فضا مورد بررسی قرار بگیرد. به همین منظور در این پژوهش عرصه عمومی و خصوصی خانه به عنوان فضاهایی با عملکرد چند جنسیتی و آشپزخانه و فضای باز زنانه، به عنوان فضاهای زنانه انتخاب شده است و در ادامه تغییرات ارتباط فضایی و بصری و همچنین عملکرد این فضاها در بازه زمانی مشخص بررسی خواهد شد:

۱. عرصه عمومی: هرچقدر جایگاه افراد در عرصه عمومی خانه مشخص‌تر باشد، نقش‌های جنسیتی نیز بهتر تثبیت می‌شود. زیرا با حضور و مشارکت افراد در عرصه‌های

در دوره بعد برای بررسی دقیق‌تر این موضوع به مقایسه خانه‌های قرن ۱۷ تا ۲۰ و سیر تغییرات و تفکیک فضاهای داخلی خانه پرداخته می‌شود. تا آغاز قرن بیستم، تفکیک فضاهای خانه، تقویت‌کننده روند تفکیک نقش‌ها بود. در نقشه خانه قرن ۱۷ (تصویر ۱)، عدم وجود اتاق نهارخوری و قرارگیری آشپزخانه در فضایی کاملاً مجزا و دور از «سالن» که فضایی چندعملکردی است و همچنین طراحی اتاق‌ها در طبقه‌ای مجزا و دور از عرصه عمومی خانه، از ویژگی‌های این دوران بوده است. همچنین فضای باز مجزا برای آشپزخانه به عنوان یک فضای عملکردی و خصوصی زنانه منظور نشده است. پس از آن در نقشه‌های قرن هجدهم با تغییرات اندکی خانه‌ها تا حدودی به سوی اختصاصی‌تر شدن فضاها پیش رفته‌اند (تصویر ۲). در این خانه‌ها راهروهای مجزا برای اتصال اتاق‌ها وجود نداشته و برای رفتن به یک اتاق، شخص باید از اتاق‌های پی‌درپی عبور کند (سگالن، ۱۳۷۰، ۲۶۰-۲۶۱). به علاوه در این زمان، فضایی اختصاصی برای مردان به عنوان فضای کار یا ملاقات خصوصی در خانه‌ها پدید آمد و موجب تغییر مکان فضای آشپزخانه از نزدیکی ورودی به بخش انتهایی خانه، شد که این امر آغاز پنهان‌سازی فعالیت‌های خانگی به شمار می‌آید.

اولین بار مفهوم فضای خصوصی با تفکیک محل کار و خانه در اوایل قرن ۱۹ به وجود آمد. تا قبل از این خانه یک فضای کوچک و خصوصی نبود؛ بلکه مجموعه‌ای بزرگ از فضای کار و فضای اقامت به حساب می‌آمد که نه تنها اعضای خانواده در آن اقامت داشتند، بلکه محافظان و خدمه را نیز در خود جای می‌داد (Heynen, 2005, 6-7). اما در خانه قرن ۱۹، فضاها به صورت کاملاً اختصاصی و عملکردی از یکدیگر تفکیک شده و نیازی خاص را برآورده می‌ساختند.

در این دوره خانه‌های دو طبقه با سبک ویکتوریایی و ادواردین و دارای دو بخش حیطة کار زنانه و حیطة عمومی رسمی و محترمانه، رواج یافت. بنابراین اتاق‌های خصوصی و عمومی، چه درخانه‌ها و چه آپارتمان‌ها، فضایی متفاوت و مجزا نگاه داشته می‌شد و فعالیت‌های سنگین خانه مانند شستشو و آشپزی در محدوده پشتی و در قسمت جلوی خانه بزرگترین اتاق و سالن پذیرایی از مهمانان قرار می‌گرفت (تصویر ۳). این سبک طراحی با وجود افزودن امکاناتی همچون آب گرم و روشنایی الکتریکی، تصویری را ایجاد می‌کرد که بر طبق آن کارخانگی که توسط زنان صورت می‌گیرد باید در خصوصی‌ترین بخش صورت گیرد و از افکار عمومی حذف شود و با کوچک‌تر شدن آشپزخانه‌ها و حذف فضایی برای تعامل و صرف غذا در این محیط،

یک فضای عملکردی نقش مهمی در آماده‌سازی، تهیه و نگهداری مواد غذایی ایفا کرده است (Akoochekian, Yazdanfar & Sahragard Monfared, 2022). همچنین این فضا موجب بهبود کیفیت فضایی آشپزخانه و محیط‌های پیوسته به آن می‌شود.

۵. تفکیک عرصه عمومی و خصوصی: افزایش ارتباط فضایی و ایجاد فضای یکپارچه با افزایش ارتباط حسی و تعامل میان ساکنین موجب می‌شود در صورت انجام کاری توسط یکی از اعضای خانواده، دیگر اعضا تمایل بیشتری به مشارکت و حمایت در آن کار از خود نشان خواهند داد (Kwon & Kim, 2017). اختلاف طبقات میان عرصه‌های خانه، با کاهش ارتباط حسی میان ساکنین، مانع تعامل و مشارکت اعضای خانواده می‌شود. از سوی دیگر این کار با ایجاد محرمت برای بخش‌هایی از خانه، موجب آسودگی ساکنین می‌شود. اما باید توجه داشت در صورتی که این تفکیک فضایی میان بخش‌های نیمه‌خصوصی- عمومی و بخش خصوصی خانه صورت بگیرد، موجب تضعیف عملکرد تعاملی در خانه خواهد شد و بر روابط ساکنین خانه و تفکیک نقش‌های خانگی تأثیرگذار خواهد بود (سگالن، ۱۳۷۰، ۲۶۲).

جایگاه اجتماعی زنان و تفکیک قلمروهای خانه در اروپا

مسئله فرودستی زنان و محدود کردن آنان به وظایف مادری و خانه‌داری و به طور مشخص تعیین جایگاه پدرسالارانه در خانواده در اروپا، بیشتر به دلیل آموزه‌های مذهبی در قرون وسطی بود؛ به طوری که در اواخر این دوران و سده ۱۵ میلادی، خانه‌ها با مرکزیت سالن باز و قرارگیری یک تخت بزرگ در انتهای بالایی سالن برای مردان یا بزرگان، منعکس‌کننده ارزش‌های مردسالارانه قرون وسطی بود. به تدریج در طول قرن‌های بعد، از اهمیت سالن اصلی کاسته شد و با تقسیم‌بندی بیشتر فضاها، فعالیت‌هایی که در سالن اصلی صورت می‌گرفت به فضاهای عملکردی مانند آشپزخانه و سایر فضاهای خدماتی منتقل شد و در اوایل قرن هجدهم با جدایی کامل اتاق خواب از سالن اصلی، بهترین اتاق به طبقه بالای خانه منتقل شد (Johnson, 2015). اگرچه بیشتر این مرزبندی‌ها، زیربنایی مذهبی برای تثبیت پدرسالاری در جامعه داشته با این وجود طبقه‌بندی جایگاه افراد، موجب برقراری نظم و انضباط و افزایش نظارت بر تمامی اعضای خانواده می‌شده است و در این دوران، به گفته ایوانز «زنان به صورت مادام‌العمر متعلق به آشپزخانه و سالن غذاخوری بوده‌اند» (Johnson, 2003, 149).

خانۀ قرن ۱۷م ترسیم شده توسط لومئو		شاخص
	فضایی بزرگ در نزدیکی ورودی خانه	عرصه خدماتی
	وجود فضای چند عملکردی به نام سالن	عرصه عمومی
	تفکیک کامل عرصه عمومی و خصوصی با استفاده از طبقات	تفکیک عرصه عمومی و خصوصی با اختلاف طبقه
	فضای خصوصی نیمه پیوسته	عرصه خصوصی
	عدم وجود ارتباط میان فضای فعالیت زنان و عرصه عمومی و خصوصی خانه	میزان ارتباط فضایی
	عدم وجود فضای باز اختصاصی برای فعالیت‌های زنانه	فضای باز
محدود کردن فعالیت‌های زنانه به وظایف خانه‌داری و فرزندآوری		جایگاه اجتماعی زنان

تصویر ۱. تحلیل قلمروهای جنسیتی خانه قرن ۱۷. مأخذ: نگارندگان.

خانۀ قرن ۱۸م ترسیم‌شده توسط بریسار		شاخص
	آشپزخانه در بخش انتهایی خانه	عرصه خدماتی
	فضایی بزرگ به صورت مجزا از سایر فضاها	عرصه عمومی
	وجود فضای چند عملکردی به نام سالن	تفکیک عرصه عمومی و خصوصی با اختلاف طبقه
	وجود فضای اختصاصی کار/ مهمان برای مردان	عرصه خصوصی
	تفکیک کامل عرصه عمومی و خصوصی با استفاده از طبقات	میزان ارتباط فضایی
	عدم وجود ارتباط میان فضای فعالیت زنان و عرصه عمومی و خصوصی خانه	فضای باز
عدم وجود فضای باز اختصاصی برای فعالیت‌های زنانه		جایگاه اجتماعی زنان
محدود کردن فعالیت‌های زنانه به وظایف خانه‌داری و فرزندآوری		

تصویر ۲. تحلیل قلمروهای جنسیتی خانه قرن ۱۸. مأخذ: نگارندگان.

شد و تمرکز بیشتر بر کودک به عنوان مرکز زندگی خانوادگی قرار گرفت. در اواخر قرن ۱۹، از یک‌سو در طبقه متوسط و فقیر، مشارکت مردان در خانه و هویت مردانگی مخالف یکدیگر انگاشته می‌شدند و از سوی دیگر در طبقات مرفه جنبش‌های ابتدایی برای کاهش قدرت مردسالارانه و تسلط زنان بر محیط شکل گرفته بود (Heynen, 2005, 8-9). بنابراین زنان طبقه مرفه و متوسط با تغییر روش و جزئیات زندگی، به دنبال کسب قدرت در خانه و خانواده بوده و فضای خانه را به فضایی مادرسالارانه تبدیل می‌کردند (Miller, 2005, 201). در این میان جنبش‌های فمینیستی نیز با اعتراض به جدایی عرصه خانه از فضای عمومی و جدایی اقتصاد داخلی خانه

آشپزخانه به غیر از طبخ غذا، هیچ عملکرد دیگری برای خانواده نداشت (تصویر ۴). علاوه بر این موضوع کوارد (۱۹۸۴) معتقد است با توجه به این‌که تمام فضای طبقه همکف برای افراد غیر ساکن در خانه استفاده می‌شود و این فضاها همواره باید تمیز و مرتب نگهداشته شوند، علاوه بر هزینه گزاف تجملات و مبلمان، موجب می‌شود که زنان زمان بیشتری برای رسیدگی به کارهای خانگی صرف کنند. در نتیجه با این طرح، نه تنها تقسیمات جنسیتی و جایگاه زنان در خانه بهبود نیافت بلکه نتیجه‌ای معکوس داشت (Roberts, 1990).

پس از جدایی حوزه حرفه‌ای مشاغل از خانه، به تدریج خانه به حوزه‌ای زنانه و برای نگهداری از فرزندان تبدیل

پلان خانه دوطبقه ویکتوریایی قرن ۱۹		شاخص
<p>(Roberts, 1990)</p>	<p>آشپزخانه در بخش انتهایی، دور از دید و در فضای داخلی خانه فضایی کوچک با کیفیت فضایی نامناسب</p>	<p>عرصه خدماتی</p>
	<p>فضاهای کاملاً تفکیک شده حذف فضای نیمه عمومی - خصوصی نشیمن</p>	<p>عرصه عمومی</p>
	<p>تفکیک کامل عرصه عمومی و خصوصی با استفاده از طبقات یا اختلاف طبقه</p>	<p>تفکیک عرصه عمومی و خصوصی</p>
	<p>فضای خصوصی کاملاً تفکیک شده</p>	<p>عرصه خصوصی</p>
	<p>ایجاد ارتباط محدود میان فضای فعالیت زنان و عرصه عمومی خانه با اتصال فضاهای به یک مفصل مشترک</p>	<p>میزان ارتباط فضایی</p>
	<p>عدم وجود فضای بلز اختصاصی برای فعالیت‌های زنانه</p>	<p>فضای باز</p>
<p>محدود کردن فعالیت‌های زنانه به وظایف خانه‌داری و فرزندآوری تلاش برای حذف وظایف خانه‌داری از افکار عمومی</p>		<p>جایگاه اجتماعی زنان</p>

تصویر ۳. تحلیل قلمروهای جنسیتی خانه‌ی دو طبقه ویکتوریایی. مأخذ: نگارندگان.

و بازتولید در خانه را منعکس کند (Vestbro & Horelli, 2012).







در قرن بیستم و پایان عصر ویکتوریایی تعادل نسبی درآمدها، رشد طبقه متوسط، افزایش تعداد زنان شاغل و حذف کامل مستخدمان خانگی موجب شد که زوج‌های جوان ثروتمند تفاوتی با شرایط زندگی زوج‌های کم درآمدتر نداشته باشند. بنابراین مردان وظایفی را بر عهده گرفتند که یک نسل قبل مشخصاً به زنان تعلق داشت. این تغییرات موجب افزایش مشارکت میان زوجین و سهمین شدن زنان در مدیریت و تصمیم‌گیری برای زندگی شده و وجود آنان فراتر از کدبانوی خانه انگاشته شد (سگالن، ۱۳۷۰، ۲۶۵). همچنین به اعتقاد (Singleton & Maher 2004; 228) تعریف جدید از مردانگی با مشارکت بیشتر زنان غربی به عنوان نیروی کار در دهه ۱۹۶۰ ایجاد شد که در آن مرد جدید به عنوان همسر ایده‌آل زن شاغل، در زمینه کارهای داخلی منزل مشارکت دارد و سهم عادلانه‌ای از کارهای خانه، فرزندپروری، آشپزی و نظافت را انجام می‌دهد. در نتیجه خانه از حالتی منحصرأ زنانه خارج شده و به مکانی هویت‌ساز برای مردان نیز تبدیل شد (Gorman-Murray, 2008).

به تدریج پس از پایان جنگ جهانی و ظهور معماری مدرن، الگوهای جدیدی برای ساخت خانه مطرح شده که کمابیش شباهت‌هایی در طرح و چیدمان فضایی با یکدیگر داشتند. در این نوع طراحی، خانه به دو بخش



تصویر ۴. آشپزخانه دوره ویکتوریایی. مأخذ: www.pinterest.com

از اقتصاد سیاسی، خواستار «تغییر کامل در طراحی فضایی و فرهنگ مادی خانه‌ها، محله‌ها و شهرهای آمریکایی» بودند. طرفداران این جنبش استدلال کردند که محیط ساخته‌شده باید شرایطی را فراهم سازد که برابری در تولید

شاخص		پلان خانه نیمه دوم قرن ۲۰ ام
	عرصه خدماتی	افزایش اهمیت آشپزخانه و تبدیل شدن به فضای چندعملکردی افزایش کیفیت فضایی آشپزخانه با نور، تهویه، ارتباط یا فضای باز و تکنولوژی‌های مدرن
	عرصه عمومی	ترکیب آشپزخانه و عرصه عمومی خانه به عنوان یک فضای یکپارچه
	تفکیک عرصه عمومی و خصوصی یا اختلاف طبقه	رواج بیشتر خانه‌های یک طبقه و افزایش ارتباط عرصه‌های عمومی و خصوصی
	عرصه خصوصی	عرصه خصوصی تفکیک شده دسترسی مستقیم به عرصه عمومی خانه
	میزان ارتباط فضایی	ارزش‌زدایی جنسیتی از فضاهای عملکردی و عمومی افزایش امکانات تعاملی در محیط
	فضای باز	اتصال آشپزخانه به فضای باز اختصاصی
جایگاه اجتماعی زنان		گسترش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و حرفه‌ای توجه به مسائل زنان و کمک به بهبود شرایط زندگی برای آنان با توجه به سبک زندگی مدرن

تصویر ۷. تحلیل قلمروهای جنسیتی خانه نیمه دوم قرن بیستم. مأخذ: نگارندگان.

امروزی، برای افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌هایی غیر از خانه‌داری بوده است (لنگ، ۱۳۸۸، ۱۳۹).

در معماری درونگرای قاجار، باورهای آیینی و حجاب و پوشش زنان، از اصلی‌ترین دلایل تفکیک عرصه‌های جنسیتی و گسترش عرصه‌های مردانه بوده است (ورمقانی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۴) و تقسیم‌بندی معماری فضا به سبک اندرونی و بیرونی، راهکاری برای ایجاد حجاب و دور نگه‌داشتن زنان از فضایی مردانه به حساب می‌آمد. بر این اساس هویت زن و موقعیت اجتماعی زنان تنها به عنوان کدبانو و مادر شناخته می‌شد و آشپزخانه به عنوان اصلی‌ترین جایگاه زنان در موقعیتی دور از فضاهای اصلی خانه قرار می‌گرفت (تصویر ۸).

در این دوران خانه‌ها هم به صورت یک طبقه و هم دوطبقه ساخته می‌شدند. اما نکته قابل توجه در خانه‌های این دوران، همانطور که فوکو (۱۳۸۴) نیز اشاره می‌کند، اعمال قدرت مردانه بر خانواده و زنان از طریق معماری سلسله‌مراتبی و معماری درونگرا برای مراقبت و محافظت از زنانگی اندرونی است (بهرامی برومند و اسفندیاری، ۱۳۹۷). بدین ترتیب تفکیک عرصه‌های زنانه و مردانه با استفاده از حیاط بوده که به طور کامل ارتباط فضایی میان بخش‌های خانه را قطع می‌کند، اما با ایجاد یک فضای باز زنانه در اندرونی و فضای عملکردی مجزا در نزدیک آشپزخانه، موقعیت مناسبی برای استفاده زنان از محیط آزاد را فراهم می‌کرده است (تصویر ۹). عواملی دیگر همچون وجود شاه‌نشین به عنوان فضایی مردانه و قرارگیری این فضا در بهترین نقطه خانه و همچنین

فضای بزرگتری برای تجمع و انجام فعالیت‌های مختلف دارند و باید به آن به چشم اتاق نشیمن دوم نگاه کرد؛ به گونه‌ای که این فضا پس از نشیمن بزرگ‌ترین فضای خانه به شمار بیاید (Manum, 2006). در نتیجه معماری مدرن برای تغییر فضای خانه با انتقاد بسیاری از نظام اجتماعی مردسالارانه و فردگرا، تلاش کرد با ایجاد فضاهای باز و یکپارچه و آشپزخانه‌های مدرن و منطبق با سبک زندگی جدید، آشپزخانه و نشیمن را به صورت یکپارچه طراحی کرده تا امکان ترکیب عملکردهای دو فضا فراهم شود و کنترل مناسب بر روی هر دو فضا ایجاد شود (تصویر ۷). همچنین طرح‌های ابتدایی فضای اقامتی متحرک و انعطاف‌پذیر، برای کاهش مقداری از بار وظایف خانگی زنان ارائه شد (Heynen, 2005, 18). در این زمان علاوه بر تغییرات رخ داده در عرصه عمومی خانه، اتاق‌ها نیز به طور مستقیم با نشیمن ارتباط پیدا کرده و میزان ارتباط حسی و نظارت میان این دو فضا بیشتر از قبل شد.

جایگاه اجتماعی زنان و تفکیک قلمروهای خانه در ایران

تقریباً به طور هم‌زمان در ایران نیز می‌توان شاهد این‌گونه تغییرات در عرصه‌بندی خانه‌ها و حوزه‌های زنانه و مردانه بود. تغییر الگوی خانه‌های حیاط مرکزی به خانه‌های امروزی، با توجه به این‌که خانه‌های حیاط مرکزی به دلایل اقلیمی یکی از بهترین الگوهای خانه به شمار می‌آیند، یکی از نتایج کاهش تفکیک فعالیت‌های زنان و مردان است. در واقع مرکزیت دادن به آشپزخانه در خانه‌های

که اغلب محل تجمع اعضای خانواده است، نداشت (تصویر ۱۰).

پس از آن با پیشرفت چشمگیر تکنولوژی در دوره پهلوی دوم، افزایش استفاده از تکنولوژی‌های برقی آشپزخانه و سبک جدید مصالح و طراحی، آشپزخانه‌ها از فضایی کثیف و تاریک تبدیل به فضایی لوکس و زیبا شده و امکان حضور اعضای خانواده و نمایش گسترده‌تری از فضای داخلی آن فراهم شد؛ به طوری که علاوه بر کانون تعامل و فعالیت خانواده‌ها، نماد سلیقه و هنر زنانه نیز به شمار می‌رفت (طباطبائی و اورنگ نیا، ۱۳۹۵). همچنین به دلیل سبک زندگی مدرن، نیاز بود تا ارتباط بیشتری میان آشپزخانه و سایر فضاهای اصلی خانه مانند نشیمن، نهارخوری و پذیرایی، برقرار باشد. بنابراین با حذف فضای بینابینی هال، آشپزخانه به طور مستقیم به نشیمن و نهارخوری متصل شد و امکان مشاهده تلویزیون و برقراری ارتباط با سایر اعضای خانواده فراهم شد (تصویر ۱۱) و در نهایت با افزایش تعامل میان اعضای خانواده و گسترش تکنولوژی‌های تهویه، به تدریج گشودگی‌هایی در دیوارهای آشپزخانه به سمت نشیمن پدید آمد (تصویر ۱۲). اما در طراحی این خانه‌ها به تدریج اهمیت فضای باز خصوصی از میان رفته و این فضا به تدریج تبدیل به یک فضای بسته یا نیمه‌بسته و تنها برای نگهداری مواد غذایی یا شستشو تبدیل شد.

در نهایت آشپزخانه‌ها با حذف تدریجی دیوارها، به سمت آشپزخانه‌های باز پیش رفتند. روند تغییر فرم، میزان محرمیت و فضای داخلی آشپزخانه تأثیر بسیاری در میزان رضایت و بهبود عملکرد استفاده‌کننده از محیط داشته است. در این آشپزخانه‌ها ارتباط حسی کاملی میان افرادی که داخل و خارج از آشپزخانه هستند، برقرار است و فضاها دید کاملی بر روی یکدیگر دارند. با اینکه آشپزخانه به عنوان یک فضای بسته می‌تواند افزایش محرمیت برای زنان در حین کار، کاهش آلودگی و پخش بو حاصل از طبخ غذا باشد، اما آشپزخانه‌های باز نیز به دلیل داشتن نور کافی، دارا بودن دید و منظر مناسب و عدم تداخل روابط کاری در فضا، مورد توجه بسیاری از زنان قرار گرفت (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲). همچنین افزودن فضای نیمه‌باز به بسیاری از آشپزخانه‌ها به دلیل افزایش تعداد خانه‌های آپارتمانی، جایگزین حیاط خلوت شد. با این حال این ایده نتوانسته محرمیت لازم برای استفاده زنانه از محیط آزاد را فراهم کند (تصویر ۱۳). اما امروزه می‌توان دید که استفاده از آشپزخانه به عنوان محلی برای تجمع، صرف غذا، تماشای تلویزیون و حتی انجام کارهای روزمره در فضاهای جانبی، متداول شده و حضور سایر اعضای خانواده در فضایی که به



تصویر ۸. مطبخ دوران قاجار. مأخذ: blog.termehtravel.com

تزیینات متفاوت اندرونی و بیرونی در دوره قاجار، تأییدکننده ارزشگذاری‌های جنسیتی در فضاهای خانه در این دوران است.

در اواخر دوره قاجار، به دلیل گسترش ارتباط و سفرهای زنان دربار به اروپا و ورود فرهنگ غربی به کشور، به تدریج بسترهای لازم برای ارتقاء آگاهی زنان فراهم شد و این مسئله موجب از میان رفتن اندورنی و بیرونی، به عنوان قلمروهای زنانه و مردانه، گردید (ارمغان، سلطان‌زاده، ایرانی بهبهانی، ۱۳۹۴). در ادامه این روند، در دوره پهلوی اول با رشد فردی و دانش زنان و افزایش حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی، به تدریج الگوی زن خانه‌دار دگرگون شد و آشپزخانه در معماری مدرن از قسمت پشتی و حاشیه‌ای حیاط به سمت مرکز خانه آمد که نوع جانمایی، موجب ترکیب عرصه‌های زنانه و مردانه و ایجاد عرصه‌های مشترک در خانه به ویژه در طبقات فقیر و متوسط شد (کامی شیرازی، سلطان‌زاده، حبیب، ۱۳۹۷). در این زمان نقش زنان به عنوان همسر، مادر و مدیر خانه پذیرفته شده بود و با ترکیب فضایی جدید، احاطه آنان به فضاهای خانه افزایش یافت و می‌توانستند فعالیت‌های فرزندان و همسر را زیر نظر گرفته و مدیریت کنند که در نهایت موجب افزایش ارتباط، تحرک و تعامل خانواده شده بود (بهرامی برومند و اسفندیاری، ۱۳۹۷).

علاوه بر این اتصال این فضا به یک فضای باز خصوصی در پشت آشپزخانه، تأثیر مهمی بر افزایش کیفیت فضایی آشپزخانه جدید، با بهبود نور، تهویه مناسب و دسترسی به این فضای عملکردی، گذاشت. با این حال همچنان ورودی و دید آشپزخانه به فضایی به نام هال که بیشتر محلی برای تردد بود باز می‌شد و ارتباط مستقیمی با فضاهای اصلی

پلان خانه قاجاری		شاخص
<p>جلیلی و اکبری، ۱۳۹۴</p>		<p>عرصه خدماتی</p> <p>آشپزخانه در نزدیکی ورودی خانه فضایی بزرگ به صورت کاملاً مجزا و محصور تفکیک کامل قلمروهای جنسیتی و اختصاص فضاهای مشخص برای فعالیت‌های زنانه و مردانه رزق‌گذاری جنسیتی فضاها با محل قرارگیری و تزئینات متفاوت هر قلمرو</p>
		<p>عرصه عمومی</p> <p>ایجاد اختلاف سطح میان حیاط و فضای داخلی با ارتفاع نیم طبقه</p>
		<p>عرصه تفکیک عمومی و خصوصی</p> <p>فضای خصوصی نیمه پیوسته پراکندگی فضاهای خصوصی در میان فضاهای عمومی خانه</p>
		<p>عرصه خصوصی</p> <p>عدم وجود ارتباط میان آشپزخانه و سایر فضاهای عمومی و خصوصی خانه</p>
		<p>میزان ارتباط فضایی</p> <p>وجود حیاط خلوت در اندرونی و آشپزخانه برای فعالیت‌های زنانه</p>
		<p>فضای باز</p> <p>محدودکردن فعالیت‌های زنانه به وظایف خانه‌داری و فرزندآوری</p>
		<p>جایگاه اجتماعی زنان</p>

تصویر ۹. تحلیل قلمروهای جنسیتی خانه سنتی قاجاری - کارگاهی یزد. مأخذ: نگارندگان.

خانه دوره پهلوی اول - نارمک		شاخص
<p>خدایار، ۱۳۲۶ به نقل از کامی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷</p>		<p>عرصه خدماتی</p> <p>آشپزخانه در بخش انتهایی، دور زدید و در فضای داخلی خانه</p>
		<p>عرصه عمومی</p> <p>کمرنگ شدن قلمروهای جنسیتی با ورود معماری مدرن فضاهای کاملاً تفکیک شده</p>
		<p>عرصه تفکیک عمومی و خصوصی</p> <p>اتصال مستقیم عرصه خصوصی به هال در خانه‌های یک طبقه اتصال عرصه خصوصی به هال خصوصی طبقه دوم در خانه‌های دو طبقه</p>
		<p>عرصه خصوصی</p> <p>فضای خصوصی کاملاً تفکیک شده</p>
		<p>میزان ارتباط فضایی</p> <p>ایجاد ارتباط محدود میان آشپزخانه و عرصه عمومی و خصوصی با اتصال فضاها به فضای میانی هال</p>
		<p>فضای باز</p> <p>وجود حیاط خلوت در فضای آشپزخانه برای فعالیت‌های زنانه</p>
		<p>جایگاه اجتماعی زنان</p> <p>آغاز حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و انجام کار حرفه‌ای افزایش مشارکت زنان در امور و مدیریت خانه</p>

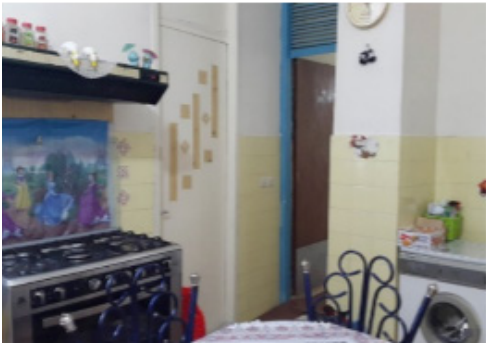
تصویر ۱۰. تحلیل قلمروهای جنسیتی خانه دوره پهلوی اول - نارمک. مأخذ: نگارندگان.

سیر تغییرات در کالبد خانه‌ها تعیین شده است. در انتخاب نمونه‌ها برای بررسی سیر تغییرات، از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد تاریخی قابل دسترس و همچنین نمونه‌های ذکرشده در مطالعات مرتبط با معماری زنانه، استفاده شده است. با وجود گستردگی محدوده انتخابی مورد مطالعه و وجود تفاوت‌های ساختاری، مصالح و تزئینات، هم در ایران و هم در اروپا، شاخص‌های مورد بررسی به صورت مشترک در اغلب مناطق ذکرشده وجود داشته است و سبک و نقطه کلیدی در آغاز روند تغییرات در هر دوره، ملاک انتخاب نمونه‌های موردی قرار گرفته است. همچنین سعی

طور سنتی حوزه‌های زنانه قلمداد می‌شود، به تدریج موجب افزایش مشارکت اعضای خانواده در بسیاری از امور خانه و خانه‌داری شده و این امر با کاهش وظایف زنان و افزایش زمان آنان برای رشد فردی، زمینه لازم برای ورود بیشتر زنان به عرصه‌های اجتماعی را پدید می‌آورد.

روش تحقیق

در این پژوهش برای بررسی سیر تحولات خانه و تغییرات رخ داده در قلمروهای زنانه و ارتباط آن با جایگاه اجتماعی زنان، ابتدا با جمع‌آوری نقشه خانه‌ها در دوره‌های ذکر شده،



تصویر ۱۱. آشپزخانه پهلوی دوم. مأخذ: www.pinterest.com; www.archline.ir

خانه پهلوی دوم - کوی مهران		شاخص	
<p>کیا کجوری، ۱۳۵۱ به نقل از کامی شیرازی و همکاران، (۱۳۸۷)</p>		<p>افزایش کیفیت فضایی آشپزخانه با گسترش ایعاد دسترسی به فضای باز و نیمه باز و افزودن تجهیزات و تکنولوژی مدرن</p>	<p>عرصه خدماتی</p>
		<p>تبدیل نشیمن به فضا و مفصل اصلی خانه</p>	<p>عرصه عمومی</p>
		<p>تفکیک عرصه‌های عمومی مهمان و عرصه نیمه خصوصی - عمومی نشیمن</p>	<p>تفکیک عرصه عمومی و خصوصی با اختلاف طبقه</p>
		<p>فضای خصوصی کلاً تفکیک شده</p>	<p>عرصه خصوصی</p>
		<p>پراکندگی فضاهای خصوصی در میان فضاهای عمومی خانه</p>	<p>میزان ارتباط فضایی</p>
<p>تقویت ارتباط میان آشپزخانه و عرصه عمومی با اتصال این فضا به نشیمن اصلی</p>	<p>فضای باز</p>		
<p>امکان برقراری ارتباط با سایر اعضای خانواده و مشاهده تلویزیون از آشپزخانه</p>	<p>گسترش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و حرفه‌ای</p>		
<p>حذف یا کاهش کیفیت فضایی حیاط خلوت ویژه فعالیت‌های زنانه</p>	<p>کاهش فاصله‌ی جنسیتی در امور و مدیریت خانه</p>		
<p>جایگاه اجتماعی زنان</p>		<p>تصویر ۱۲. تحلیل قلمروهای جنسیتی خانه پهلوی دوم - کوی مهران. مأخذ: نگارندگان.</p>	

خانه معاصر - خانه همایونی، استودیو ما		شاخص	
<p>(www.archline.ir)</p>		<p>ایش اهمیت آشپزخانه و تبدیل شدن به فضای چند عملکردی و نشیمن دوم</p>	<p>عرصه خدماتی</p>
		<p>بد امکانات و تهیه آشپزخانه با ورود تکنولوژی‌های جدید و اتصال آشپزخانه به فضای نیمه‌باز</p>	<p>عرصه عمومی</p>
		<p>پیوستگی آشپزخانه و عرصه عمومی به عنوان فضای یکپارچه</p>	<p>تفکیک عرصه عمومی و خصوصی با اختلاف طبقه</p>
		<p>رواج بیشتر خانه‌های یک طبقه و افزایش ارتباط عرصه‌های عمومی و خصوصی</p>	<p>عرصه خصوصی</p>
		<p>عرصه خصوصی تفکیک شده</p>	<p>میزان ارتباط فضایی</p>
<p>دسترسی مستقیم به عرصه عمومی خانه</p>	<p>فضای باز</p>		
<p>ارزش‌زدایی جنسیتی از فضاهای عملکردی و عمومی</p>	<p>تثبیت نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی و حرفه‌ای</p>		
<p>افزایش امکانات تعاملی در محیط</p>	<p>توجه به مسائل زنان و کمک به بهبود شرایط زندگی برای آنان یا توجه به سبک زندگی مدرن</p>		
<p>اتصال آشپزخانه به فضای بزرگ اختصاصی</p>	<p>تصویر ۱۳. مقایسه سیر تحول قلمروهای جنسیتی در خانه‌های ایران و اروپا. مأخذ: نگارندگان.</p>		

تصویر ۱۳. مقایسه سیر تحول قلمروهای جنسیتی در خانه‌های ایران و اروپا. مأخذ: نگارندگان.

شده تا متداول‌ترین سبک خانه در هر دوره برای مطالعه انتخاب شود تا شرایط موجود به برای غالب ساکنین مورد تحلیل قرار گیرد. روش استفاده شده در این مرحله، روش تفسیری - تاریخی است که به عنوان یک روش علمی با قابلیت بازسازی عینی و تحلیل رویدادهای گذشته (ساعی، ۱۳۸۷)، با استفاده از مستندات موجود، وضعیت اشتغال و جایگاه اجتماعی زنان در هر دوره مشخص شده است. پس از آن برای ایجاد پیوند میان مفاهیم کالبدی و نظری و تعیین شاخص‌های مرتبط کننده این دو حوزه با استفاده از استدلال منطقی (میرجانی، ۱۳۸۹)، تغییرات شناسایی شده در ساختار فضایی خانه‌ها شامل آشپزخانه، عرصه عمومی، وجود پلکان (تفکیک عرصه‌ها با اختلاف تراز طبقاتی)، عرصه خصوصی، میزان ارتباط فضایی و فضای باز زنانه، به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در انتها با استفاده از قیاس تطبیقی، خانه‌های ایران از زمان قاجاریه تاکنون و خانه‌های اروپا از قرن ۱۷ تا قرن حاضر به صورت طولی و عرضی با یکدیگر مقایسه و نتیجه‌گیری نهایی بر این اساس صورت گرفته است. انتخاب این بازه زمانی به دلیل ثبات نسبی قلمروهای جنسیتی در دوره‌های قبل و آغاز مطالبات و تغییر شاکله فرهنگی زنان در این دوره است. همچنین قابل ذکر است که تغییرات در دوران معاصر شدت بیشتری یافته است و همچنان نمی‌توان پایانی برای آن در نظر گرفت.

بحث و جمع‌بندی

پس از بررسی سیر تحولات اجتماعی و قلمروهای جنسیتی در خانه و تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر می‌توان دریافت که جایگاه اجتماعی نقش مهمی در تعیین قلمروهای جنسیتی در خانه دارد. تغییر این جایگاه بیشتر تحت تأثیر شیوه معیشتی و فرهنگ ارزش‌گذاری جنسیتی در جامعه است. در جوامعی که زنان در تأمین معاش خانواده شریک بوده‌اند، در تصمیم‌گیری‌ها سهمیه شده، حضور فعال اجتماعی داشته و مرزبندی‌های کمتری در حریم خانه را تجربه می‌کنند و به طور متقابل، مردان نیز امتیازات کمتری برای خود طلب کرده و در امور خانواده مشارکت بیشتری خواهند داشت. از سوی دیگر، ارزش‌گذاری جنسیتی بر اشخاص و فعالیت‌ها، تأثیر مهمی بر محل قرارگیری و فضای فعالیت‌های جنسیتی، کیفیت و ارتباط فضایی با آن قلمرو دارد. محل قرارگیری فضای فعالیت‌های جنسیتی در پلان خانه‌ها، نشان می‌دهد، مردان در دورانی که اختلاف جایگاه بسیاری با زنان داشته‌اند، فضاهای اصلی، بزرگتر و با تزیینات بیشتر را به عنوان جایگاه

اختصاصی، در اختیار داشته‌اند. این در حالی است که آشپزخانه به عنوان اصلی‌ترین قلمرو زنانه، همواره در فضایی دور از دید و با ارتباط محدود قرار داده می‌شده و در بیشتر مواقع کیفیت فضایی بسیار محدودی داشته است. این مسئله اغلب دلایلی همچون ایجاد محرمیت دینی برای زنان در ایران و نادیده گرفتن و پنهان کردن فعالیت‌های خانه داری در اروپا، داشته است. اما پس از شروع جنبش‌های زنان برای دستیابی به حقوق برابر و توجه جهانی به این مسئله، همچنین افزایش ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی، شاهد تغییرات تدریجی در این قلمروها هستیم. به گونه‌ای که در هر دوره ارتباط میان قلمروهای جنسیتی افزایش یافته و کیفیت فضایی متعادل‌تری در تمامی فضاهای خانه تجربه می‌شود. این امر به صورت دوسویه موجب تقویت حس مشارکت تمامی افراد خانواده در امور خانگی و تقویت جایگاه زنان در خانواده شده‌است. باید توجه داشت که ترکیب فضاهای نیمه خصوصی - عمومی همچون نشیمن و آشپزخانه می‌تواند برای دستیابی به این اهداف مؤثر باشد و فضاهای عمومی همچون فضای مهمان، همچنان باید به عنوان بخش مستقلاً از خانه در نظر گرفته شود تا علاوه بر حفظ محرمیت، از میزان کار لازم برای نگهداری از آن فضا کاسته شود. امروزه نیز بیشتر خانه‌ها با ترکیب فضاهای داخلی خانه از جمله آشپزخانه و نشیمن و در برخی موارد، فضاهای انعطاف‌پذیر همچون اتاق خواب و اتاق کار، سعی در تقویت این ارتباط و استفاده چند عملکردی از فضاها دارند. در **جدول ۱** اشتراک و تفاوت‌های قلمروهای جنسیتی در بازه زمانی مشابه با یکدیگر در ایران و اروپا مقایسه و آورده شده است.

نتیجه‌گیری

در دوره اول که مربوط به زمان قاجار در ایران و قرن ۱۷ و ۱۸ در اروپا است، زمانی که زنان به غیر از وظایف خانه‌داری مسئولیت دیگری بر عهده نداشته‌اند، آشپزخانه به عنوان یک فضای حاشیه‌ای و کاملاً مجزا، به صورتی که دید و ارتباط با سایر فضاها کاملاً از میان رفته، در سازماندهی فضاهای خانه قرار می‌گرفته است؛ در صورتی که شاه‌نشین و اتاق کار ویژه مردان اغلب در بهترین دید و موقعیت خانه منظور می‌شده و دارای تزیینات و کیفیات بصری زیادی بوده است. نکته مهم دیگر در این دوره پیوستگی فضاهای خصوصی و عدم محصوریت تک‌تک فضاهای خانه با درهای تو در تو و امکان ترکیب چند فضای مجاور است که موجب افزایش

جدول ۱. پلان خانه مدرن - خانه همایونی، استودیو ما. مأخذ: نگارندگان.

اروپا		تفاوت	شباهت	ایران	
زمان	پلان			پلان	زمان
قرن ۱۸		<p>اروپا:</p> <ol style="list-style-type: none"> تفکیک کامل فضای خصوصی خانه با قرار گرفتن در طبقات فوقانی <p>ایران:</p> <ol style="list-style-type: none"> تفکیک عرصه ی خصوصی با استفاده از راهروها یا حیاط اندرونی وجود حیاط خصوصی و فضای باز زنانه در اندرونی و نزدیک آشپزخانه 	<ol style="list-style-type: none"> جدایی کامل آشپزخانه از سایر فضاها عدم تفکیک کامل فضاهای خصوصی از یکدیگر عدم وجود راهرو و مسیر ارتباطی مجزا میان فضاها وجود فضای چندعملکردی به نام سالن وجود فضای مردانه ی انحصاری برای کار یا ملاقات 	 <p>قاجار</p>	
قرن ۱۹ (ویکتوریا) و ادواردین)		<p>اروپا:</p> <ol style="list-style-type: none"> تفکیک کامل فضای خصوصی خانه با قرار گرفتن در طبقات فوقانی عدم وجود فضای تعامل خانوادگی و غیررسمی در خانه (نشیمن) آشپزخانه های کوچک و راهرو مانند <p>ایران:</p> <ol style="list-style-type: none"> وجود فضای باز خصوصی زنان در ایران (حیاط خلوت) وجود فضای تعامل خانوادگی غیر رسمی (نشیمن - هال) 	<ol style="list-style-type: none"> تفکیک کامل فضاها از یکدیگر تبدیل آشپزخانه به فضایی کوچک و دور از دید تعیین عملکرد مشخص برای هر فضا اولین ارتباط مستقیم آشپزخانه با فضای داخلی خانه 	 <p>پهلوی اول</p>	
نیمه اول قرن ۲۰		<p>اروپا:</p> <ol style="list-style-type: none"> تفکیک کامل فضای خصوصی خانه با قرار گرفتن در طبقات فوقانی تبدیل آشپزخانه به مرکز فعالیت های خانگی و فرزندپروری با افزودن اتاق کار و حیاط خلوت به آشپزخانه حذف فضای تجمعاتی مانند پذیرایی <p>ایران:</p> <ol style="list-style-type: none"> وجود هر دو فضای رسمی پذیرایی و غیر رسمی نشیمن در عرصه ی خصوصی خانه عدم وجود فضای کار ویژه ی زنان 	<ol style="list-style-type: none"> پیدایش فضای تعامل خانوادگی و غیر رسمی مجزا (نشیمن) اتصال مستقیم و محدود آشپزخانه به فضاهای عمومی اصلی تبدیل نشیمن به اصلی ترین و بزرگترین فضای خانه ورود تکنولوژی و تجهیزات به آشپزخانه 	 <p>پهلوی دوم</p>	
نیمه دوم قرن ۲۰		<p>تفاوت معنا داری با رویکرد زنان وجود ندارد</p>	<ol style="list-style-type: none"> کاهش اهمیت نشیمن به عنوان یک فضای چند عملکردی تبدیل شدن آشپزخانه به کانون تجمع و فضایی چند عملکردی بزرگتر شدن و افزایش اهمیت کیفیت و تجهیزات آشپزخانه حذف دیوارهای آشپزخانه و ایجاد فضای یکپارچه با نشیمن 	 <p>معاصر</p>	

اروپا با اتصال مستقیم آشپزخانه به نشیمن اصلی خانه، ارتباط حسی میان دو فضا به صورت قابل توجهی افزایش یافت و اعضای خانواده خود را بیش از پیش در امور هر دو فضا سهیم می‌دانستند. از نقاط ضعف این دوران می‌توان به عدم توجه به فضای باز اختصاصی برای زنان در ایران اشاره کرد. حیاط خلوت تنها در خانه‌های بزرگ منظور می‌شد و این امر ارتباط مستقیم زنان با فضای آزاد را به شدت کاهش می‌داد. اما در راستای کاهش کار خانگی زنان در اروپا ساختار متفاوتی نسبت به ایران مطرح شد. در این دوره در اروپا فضاهایی مانند پذیرایی که دارای تجملات و نیاز به مراقبت‌های روزانه زیاد بود، حذف شد و تعریف جدیدی از جایگاه زن در خانه با قرارگیری سه فضای آشپزخانه، اتاق کار و حیاط خلوت در کنار یکدیگر، به عنوان مثلث خانه‌داری، مطرح شد. اما این طراحی فضایی، نتوانست جایگاهی اختصاصی برای زنان به ارمغان بیاورد و قرار دادن آنان در مرکز تمامی فعالیت‌های خانه، با کاهش خلوت، موجب افزایش تنش و خستگی روانی در آنان شد.

در دوره چهارم که توصیف‌کننده وضعیت معاصر خانه‌ها است، الگوهای کاملاً مشابهی میان ایران و اروپا به چشم می‌خورد. در این دوران اشتغال و حضور مؤثر زنان در جامعه امری بدیهی به نظر می‌رسد و تلاش‌های بسیاری برای فرهنگ‌سازی و تقسیم وظایف خانگی صورت می‌گیرد. همین امر موجب ترکیب عرصه‌هایی که به طور سنتی زنانه بوده با فضاهای عمومی خانه شده است. آشپزخانه‌ها امروزه تبدیل به فضایی چندعملکردی شده و بسیاری از فعالیت‌های خانگی را در بر می‌گیرد. همچنین به صورت قابل توجهی با افزودن تکنولوژی، بهبود مصالح، توجه به ارتباط آشپزخانه با فضای نیمه‌باز و ... کیفیت فضایی بهتری برای آن در نظر گرفته می‌شود. این امر موجب شده که تمامی افراد با حضور دائمی در این فضا، در فعالیت‌های صورت گرفته مشارکت کنند و خود را در آن سهیم بدانند. اما مسئله کاهش ارتباط عرصه خصوصی با بخش عمومی خانه، موجب می‌شود فعالیت‌های نظارتی، مراقبتی و آموزشی بر سایر اعضای خانواده نظیر سالمندان یا کودکان دشوار به نظر برسد. زیرا در این شرایط والدین و کسانی که مسئولیت امور خانه را بر عهده دارند، امکان انجام همزمان فعالیت‌های مراقبتی، خانگی و حرفه‌ای در خانه را، به دلیل نبود ارتباط میان فضاها، نخواهند داشت. با این حال در سال‌های اخیر بحث فضاهای انعطاف‌پذیر و اتاق‌های ترکیب‌پذیر راهکار مناسبی برای این موضوع

تعامل در این بخش از فضا می‌شده و نظارت بر فضاها و سایر اعضای خانواده اعم از فرزندان یا سالمندان را تسهیل می‌کرده است. همچنین با افزایش ارتباط حسی نظیر ارتباط بصری و شنیداری میان فضاهای مجاور، مشارکت سایر اعضای خانواده در این عرصه افزایش می‌یافته است. با وجود شباهت‌های ذکرشده در این دوره، در ایران و اروپا تفکیک عرصه عمومی و خصوصی در خانه‌ها متفاوت بوده است. در اروپا عرصه خصوصی اغلب با قرارگرفتن در طبقات فوقانی از سایر فضاها تفکیک می‌شده است، اما در ایران اتاق‌های خصوصی با استفاده از راهروها یا حیاط خلوت در اندرونی از سایر فضاها تفکیک می‌شده‌اند.

در دوره دوم که دوره پهلوی اول و ویکتوریا در نظر گرفته شده است، با ورود زنان به جایگاه‌های حرفه‌ای و عرصه‌های اجتماعی، آشپزخانه برای اولین بار در فضای داخلی خانه قرار گرفت؛ که این امر به منظور ارتقاء جایگاه مدیریتی زنان در خانه بوده است. با این حال فضای آشپزخانه که تنها ارتباط ضعیفی با فضای هال یا راهروی ورودی داشت و در اروپا به صورت فضایی بسیار کوچک طراحی می‌شد، نتوانست پاسخ مناسبی به نیاز زنان بدهد. همچنین سایر فضاهای خانه هم در عرصه خصوصی و هم در عرصه عمومی مانند فضاهای نشیمن و پذیرایی و اتاق‌ها، به صورت کاملاً تفکیک و دیوارکشی شده منظور می‌شدند. در این شرایط کلیه فضاهای مذکور صرفاً از طریق درب ورودی به حال کوچکی مرتبط می‌شد و ارتباط فضایی را به حداقل می‌رساند که در نتیجه فضاها تنها واجد یک نوع عملکرد خاص بودند. از تفاوت‌های موجود در این دوره می‌توان به وجود فضای جمعی خانوادگی غیر رسمی «نشیمن» در ایران اشاره کرد. به علاوه در ایران حیاط خلوت در بخش پشتی خانه، برای انجام فعالیت‌های خدماتی یا فضای باز دارای محرمیت برای فراغت زنان بوده است. در این دوره در خانه‌های ویکتوریایی فضایی برای گردهمایی صمیمی اعضای خانواده با یکدیگر در نظر گرفته نشده است و تنها ارتباط اعضای خانواده به زمان‌های صرف غذا محدود بوده است.

در دوره سوم که مصادف با پهلوی اول و نیمه اول قرن بیستم است، زنان جایگاه اجتماعی تثبیت شده‌تری در اجتماع یافتند و بحث متعادل‌تر شدن نقش‌های خانگی و تقسیم کار میان زوجین و سایر اعضای خانواده اهمیت بیشتری پیدا کرد. در این دوره در ایران مرزبندی‌های مشخص جنسیتی برای فضاها، نظیر شاه‌نشین، اندرونی و ... از میان رفت. همچنین به طور مشترک در ایران و

- کامی شیرازی، سیده مهسا؛ سلطانزاده، حسین و حبیب، فرح. (۱۳۹۷). تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران (نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷). پژوهشنامه زنان، (۲)، ۳۳-۷۰.
- میرجانی، حمید. (۱۳۸۹). استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش. صفه، (۵۰)، ۱-۳۵.
- ورمقانی، حسنا و سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۴). نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل گیری خانه (مقایسه خانه های قاجاری گیلان و بوشهر). معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۲۳(۱۱)، ۱۲۳-۱۳۴.
- ورمقانی، حسنا؛ سلطانزاده، حسین و دهباشی شریف، مزین. (۱۳۹۴). رابطه جنسیت و فضا در عرصه های خصوصی و عمومی دوره قاجار. باغ نظر ۱۲ (۳۷)، ۳۱-۴۰.
- Ahrentzen, S., Levine, D. W., & Michelson, W. (1989). Space, time, and activity in the home: A gender analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 9(2), 89-101.
- Akoochekian, Z., Yazdanfar, A & Sahragard Monfared, N. (2022). *Identifying the model of women social sustainability in the context of housing design*. Social Life Cycle Assessment International Conference (S-LCA 2022). 5 – 8 / 09 / 2022, Aachen, Germany.
- Amole, D. (2012). Gender differences in user responses to students housing. *Procedia-social and behavioral sciences*, (38), 89-99.
- Gorman-Murray, A. (2008). Masculinity and the home: a critical review and conceptual Framework. *Australian Geographer*, 39(3), 367-379.
- Havenband, L. K. (2002). Looking through the lens of gender: A postmodern critique of a modern housing paradigm. *Journal of Interior Design*, 28(2), 1-14.
- Heynen, H. (Ed.). (2005). *Modernity and domesticity: tensions and contradictions: Negotiating domesticity: spatial productions of gender in modern architecture*. London: Routledge.
- Johnson, M. H. (2003). *Housing culture: traditional architecture in an English landscape*. London: Routledge.
- Johnson, M. H. (2015). 3 English Houses, Materiality, and Everyday Life. *Archeological Papers of the American Anthropological Association*, 26(1), 27-39.
- Kwon, H. A. & Kim, S. (2017). Variation in the characteristics of everyday life and meaning of urban housing due to the transition of social structure: Focusing on articles published in lifestyle magazines. *Sustainability*, 9(8), 1298.
- Mallett, S. (2004). Understanding home: a critical review of the literature. *The Sociological Review*, 52(1),

ارائه کرده است؛ اما این راهکار به صورت فراگیر مورد استفاده قرار نمی گیرد. در انتها به نظر می رسد روند طی شده و تحولات صورت گرفته در تمامی بخش های خانه، متعادل شدن نقش های خانگی برای تمامی اعضای خانواده، امکان کنترل مدیریت آسان تر امور و کاهش بار وظایف خانگی را برای زنان به ارمغان آورده است. ولی نمی توان گفت الگوی فعلی خانه بهترین الگو برای زنان است؛ زیرا هنوز راهکار مناسبی برای مسئله محرمیت، خلوت زنانه، مسائل مراقبتی و حمایتی زنان وجود ندارد.

فهرست منابع

- آزادارمکی، مرضیه. (۱۳۹۲). آپارتمان نشینی و آشپزخانه در ایران. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۳۱)، ۶۳-۱.
- ارمغان، مریم، سلطانزاده، حسین و ایرانی بهبهانی، هما. (۱۳۹۴). بازتعریف نقش زن در خانواده و تأثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه های اعیانی تهران در دوره قاجار. باغ نظر، ۱۲(۳۴)، ۱۱-۲۴.
- بهرامی برومند، مرضیه و اسفندیاری، ظهرا. (۱۳۹۷). معنای نمادین فضاها و پیام های جنسیتی: طرد اجتماعی زنان. هفت شهر، ۴(۶۱)، ۹۴-۱۰۷.
- زیبایی نژاد، محمد (۱۳۸۸). تفاوت ها، هویت و نقش های جنسیتی؛ هویت و نقش های جنسیتی (مجموعه مقالات). تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- ساعی، منصور. (۱۳۸۷). روش تحقیق تاریخی: شیوه ها و کاربردهای آن در ارتباطات. رسانه، (۱)، ۱۶۷-۰.
- سراجزاده، حسین و جواهری، فاطمه. (۱۳۸۵). برابری گزایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه ای و نگرشی مرتبط با آن. *جامعه شناسی ایران*، ۷(۲)، ۳-۴۰.
- سگالن، مارتین. (۱۳۷۰). *جامعه شناسی تاریخی خانواده* (ترجمه حمید الیاسی). تهران: مرکز.
- شایگان، فریبا و رستمی، فاطمه. (۱۳۹۰). هویت اجتماعی واحساس امنیت (مطالعه موردی زنان تهران). *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، (۹)، ۱۵۱.
- طباطبائی، نسیم و اورنگ نیا، شیما. (۱۳۹۵). بررسی نقش ارگونومی در طراحی آشپزخانه های مدرن کاربری مسکونی. اولین مسابقه کنفرانس بین المللی جامع علوم مهندسی در ایران، دانشگاه گیلان، بندر انزلی.
- غلاسوند، فریبا. (۱۳۸۸). نقش های جنسیتی؛ هویت و نقش های جنسیتی (مجموعه مقالات) (به کوشش محمدرضا زیبایی نژاد). تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- فیشر، هلن. (۱۳۸۱). *جنس اول* (ترجمه نغمه صفاریان پور). تهران: زریاب.
- لنگ، جان. تی. (۱۳۸۸). *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط* (ترجمه علیرضا عینی فر). تهران: دانشگاه تهران.

62-89.

- Manum, B. (2006). *Apartment layouts and domestic life: the interior space and its usability: a study of Norwegian apartments built in the period 1930-2005*. Oslo: The Oslo School of Architecture and Design.
- McCoy, E. (1977) *Case Study Houses: 1945- 1962*. Los Angeles: Hennessey & Ingalls.
- Miller, L. (Eds.). (2005). *Denatured domesticity: an account of femininity and physiognomy in the interiors of Frances Glessner Lee: Negotiating domesticity: spatial productions of gender in modern architecture*. London: Routledge.
- Monfared, N. S. S. & Yazdanfar, S. A. (2015).

Model of Perceptual Concepts and Related Physical Principles for Participatory Local Center: Chizar local community in Tehran as a case study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (170), 78-88.

- SINGLETON, A. & MAHER, J. (2004). The “New Man” is in the house: young men, social change, and housework. *Journal of Men’s Studies*, (12), 227-240.
- Roberts, M. (1990). Gender and housing: the impact of design. *Built Environment*, 16 (4), 257-268.
- Vestbro, D. U. & Horelli, L. (2012). Design for gender equality: The history of co-housing ideas and realities. *Built Environment*, 38(3), 315-335.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
 آکوچکیان، زهرا؛ یزدانفر، سید عباس و صحراگرد منفرد، نداسادات. (۱۴۰۲). سیر تطور سازماندهی فضایی مسکن بر اساس جایگاه اجتماعی زنان (قیاس تطبیقی مسکن ایرانی و اروپایی). *باغ نظر*، ۲۰(۱۲۴)، ۶۷-۸۲.

DOI:10.22034/BAGH.2023.374906.5303
 URL: https://www.bagh-sj.com/article_176559.html

